

## تأثیر انسجام و انعطاف‌پذیری خانواده بر شکل‌گیری هویت

پژوهش حاضر با هدف تعیین تأثیر سطوح بالا و پایین انسجام و انعطاف‌پذیری خانواده بر شکل‌گیری هویت در ابعاد «تمهد» و «اکتشاف» و حیطه‌های «ایدئولوژیک» و «بین‌فردی»، انجام گرفت. نمونه مورد مطالعه ۵۵۱ نفر از دانش‌آموزان سال سوم دبیرستان‌های شیراز (۱۵۰ دانش‌آموز پسر و ۱۳۹ دانش‌آموز دختر) و دانشجویان سال اول دانشگاه شیراز (۱۲۹ نفر دانشجوی پسر و ۱۳۳ دانشجوی دختر) بود. ابزارهای مورد استفاده در این پژوهش عبارت بودند از: پرسش‌نامه‌های «انسجام خانواده»، «انعطاف‌پذیری مثبت» و «فرایند هویت خود» (EIPQ). نتایج به‌دست آمده حکایت از آن داشتند که سطوح بالا و پایین انسجام خانواده تأثیر معنی‌داری بر نمرات «تمهد بین‌فردی» داشته‌اند ( $P=0/01$ ) و  $F(1,475)=12/93$ . در زمینه «اکتشاف ایدئولوژیک» نتایج نشان داد که بین دختران و پسران از لحاظ میانگین این نمرات تفاوت معنی‌داری وجود دارد ( $P=0/01$ ) و  $F(1,471)=6/36$  و متغیرهای جنسیت و سطوح انعطاف‌پذیری خانواده (بالا و پایین) نیز تأثیر تعاملی معنی‌داری بر میانگین نمرات مذکور داشته‌اند ( $P=0/03$ ) و  $F(1,471)=4/5$ . در زمینه نمرات «اکتشاف بین‌فردی» نیز سطوح بالا و پایین انسجام خانواده، تأثیر متفاوت و معنی‌داری بر میانگین این نمرات داشته است ( $P=0/01$ ) و  $F(1,492)=5/7$  - علاوه بر آن که سطوح بالا و پایین انعطاف‌پذیری و انسجام خانواده به‌صورت تعاملی بر این نمرات تأثیر معنی‌دار داشته‌اند ( $P=0/02$ ) و  $F(1,492)=4/97$ . به‌طور کلی این پژوهش نشان داد که انسجام و انعطاف‌پذیری خانواده، به‌گونه‌ای معنی‌دار، شکل‌گیری هویت نوجوانان دختر و پسر را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

سیامک سامانی

استادیار دانشگاه شیراز

syamack\_s@yahoo.com

علیرضا خوشرو

دستیار علمی دانشگاه پیام نور مرکز داراب

khoshro\_a@yahoo.com

محمد رضا رزمی

کارشناس ارشد روانشناسی تربیتی دانشگاه شیراز

razmi9@yahoo.com

واژگان کلیدی: انسجام خانواده، انعطاف‌پذیری خانواده، هویت



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
 رتال جامع علوم انسانی

## مقدمه و مبانی نظری تحقیق

یکی از مسائل مهم تحولی انسان، روند شکل‌گیری هویت (Identity) است؛ این فرایند از بدو تولد آغاز می‌گردد و در دوران نوجوانی به اوج خود می‌رسد. ویلیام گلاسر (Glaser, 1982) اعتقاد دارد که «هویت عبارت است از نیاز به احساس جدا و متمایز بودن از دیگران». به نظر او این نیاز تنها نیاز روانی و اساسی انسان است که همهٔ مردم و در همهٔ فرهنگ‌ها از بدو تولد تا مرگ آن را احساس می‌کنند. همچنین «آریکسون» (Erickson) در نظریهٔ «روانی- اجتماعی» خود از هویت صحبت به میان می‌آورد. او نخستین کسی بود که هویت را به عنوان دستاورد مهم شخصیت نوجوانی و گامی مهم به سوی تبدیل شدن به فردی ثمربخش و بانشاط، تشخیص داد (برک، ۱۳۸۲).

## نظریه اریکسون

اریکسون - روانکاو آمریکایی - رشد روانی- اجتماعی فرد را به هشت مرحله تقسیم می‌کند که هر مرحله توانایی فرد را در جهت مثبت یا منفی تعیین می‌نماید. در میان مراحل که او تعیین کرد، مرحله پنجم با نوجوانی ارتباط می‌یابد. ویژگی این مرحله جستجوی خویشتن است که آن را مرحله "هویت در مقابل سردرگمی نقش" (Identity versus role confusion) می‌خواند و بر این باور است که نتایج موفقیت‌آمیز مراحل پیشین، زمینه را برای حل تعارض آماده می‌کند. بنابراین گرچه بذره‌های تشکیل هویت قبلاً کاشته شده‌اند، اما فرد تا نوجوانی مجذوب این تکلیف نمی‌شود (برک، ۱۳۸۲).

به عقیده اریکسون، نوجوان برای استقرار هویتی که ثبات عاقلانه داشته باشد باید به این نوع سؤالات پاسخ دهد: من کیستم؟ که می‌شوم؟ چرا این یا آن نیستم؟ معنا دادن به هویت خود یعنی، توانایی در نظر گرفتن آنچه هستیم، آنچه به عنوان یک مرد یا زن می‌شویم و در نظر گرفتن آنچه می‌خواهیم به عنوان حرفه یا شغل انجام دهیم؛ به عبارت دیگر، روشن کردن نظام باورها، ارزش‌ها و آرمان‌های خود، آگاهی یافتن از توانایی خود و شیوه استفاده از این توانایی در زندگی روزانه (وندرزندن، ۱۳۷۶). اریکسون متذکر شد که هویت ممکن است از دو راه منحرف شود. در برخی از افراد قبل از رسیدن به رشد کامل، تثبیت شود (یعنی پیش از موعد شکل بگیرد) یا اینکه بدون هیچ محدودیتی شکل بگیرد (ماسن و همکاران، ۱۳۷۰). حالت اول که هویت «زودرس» نامیده می‌شود، نوعی وقفه و تثبیت در فرایند شکل‌گیری هویت است. برخلاف افرادی که دارای هویت زودرس‌اند، دسته دیگری از نوجوانان دوره‌ای طولانی از «سردرگمی» هویت را تجربه می‌کنند و شاید هیچ‌گاه احساس هویتی قوی و روشن در آنها شکل نگیرد. (همان) این گروه از نوجوانان نمی‌توانند خود را بیابند و به همین دلیل، خود را رها و فارغ از پیوند نگه می‌دارند و در حالت تجرد و دوران پیش از شکل‌گیری هویت، باقی می‌مانند.

یکپارچگی در نظریه اریکسون اهمیت خاصی دارد - این موضوع از معنی لغت هویت نیز برمی‌آید (که در لاتین به معنی یکسانی است). از سوی دیگر، هویت به معنی مجموعه‌ای از همانندسازی‌های متعدد در طی رشد روانی- اجتماعی است. این امر بیانگر دو جنبه متقابل در مفهوم هویت است: هویت به عنوان مجموعه‌ای از نقش‌ها و همانندسازی‌ها، مستلزم وجود خودهای متعدد است - درحالی‌که یکی بودن، وحدت و فردیت مستلزم خود یکپارچه است - که به واسطه رشد روانی این تقابل حل خواهد شد، «من» در فرایند رشد خود، یک شخصیت مستمر و پویا را سازمان می‌دهد و در این جریان، پیوستگی و ثبات «من» توسط دیگران درک می‌شود. نیل به این پیوستگی و ثبات هم به واسطه مفهومی خودآگاهانه از هویت فردی و هم به واسطه یک تلاش ناخودآگاه برای تداوم منش و نیز یک مسئولیت مشترک درونی برای آرمان‌ها و هویت اجتماعی یک گروه صورت می‌گیرد (Adams, 1985)، اما مهم‌ترین روندهای هویت‌یابی را می‌توان «تعهد» (commitment) و «اکتشاف» (exploration) دانست. (Marcia, 1966)

## نظریه ماریسا

در نظریه ماریسا وضعیت هویت، «ماحصل رشد روانی- اجتماعی فرد تا اواخر نوجوانی و نتیجه بحران مرحله

پنجم رشد در نظریه اریکسون است. برای تعریف وضعیت هویت، ماریسا دو روند اساسی شکل‌گیری هویت در نظریه اریکسون یعنی «بحران» و «تعهد» را برجسته می‌کند. به تعبیر ماریسا، بحران مترادف با جستجو و به عنوان دوره‌ای از پرسش‌گری، بررسی، آزمایش نقش‌ها و آرمان‌های جایگزین تعریف می‌شود و برای دستیابی به هویت، گذراندن بحران اجتناب‌ناپذیر است. در این دیدگاه، «تعهد» عبارت است از: تثبیت و اتخاذ تصمیمات نسبتاً پایدار و سرمایه‌گذاری شخصی بر روی این تصمیمات. (Bishop et al, 1997) ماریسا، به وسیلهٔ مصاحبهٔ نیمه ساختاریافته، وجود یا عدم وجود ابعاد «تعهد» و «اکتشاف» را در دو حیطهٔ «ایدئولوژیک» و «بین‌فردی» مورد سنجش قرار داد.

### فرآیندهای شکل‌گیری هویت

از میان عوامل اجتماعی، برجسته‌ترین تأثیر را والدین و نظام خانواده بر هویت فرد و چگونگی شکل‌گیری آن اعمال می‌کنند و این حوزه‌ای است که بیشترین تحقیقات راجع به آن انجام شده‌است. ساختار و محیط خانواده، نوع روابط و تعاریف در خانواده بطور اخص مورد بررسی قرار گرفته‌اند (آقا محمدیان، ۱۳۸۲). سیگلمن (Segelman) بر آن است که به طور کلی شکل‌گیری هویت موفق در نوجوان محصول چهار عامل رشد شناختی، ارتباط با والدین، تجارب خارج از خانواده و زمینه‌های گسترده‌تر اجتماعی است که از بین این عوامل، نقش خانواده در شکل‌گیری هویت در بسیاری از تحقیقات مورد تأکید قرار گرفته است؛ به گونه‌ای که بسیاری از پژوهشگران معتقدند ارتباط نوجوان با والدین، شکل‌گیری هویت آنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. (Makstrom et al, 1993) الگوی تعامل خانواده نیز بر رشد فرد در حیطهٔ هویت تأثیرگذار است (بارتل - هرینگ، ۱۹۹۷).

### مدل مدور ترکیبی‌السون (circumplex model)

یکی از کسانی که با دیدی سیستمی خانواده را مورد بررسی قرار داده، السون است. او بر همین مینا، مدلی مرکب از سیستم خانواده و روابط زناشویی ارائه کرده که در واقع پل ارتباطی ما بین نظریه و عمل است. مدل السون که بر سه بُعد خانواده تمرکز دارد، با انواع مختلف نظریه‌های خانواده و رویکردهای خانواده درمانی مرتبط است و نیز برای ارزیابی‌های کلینیکی، طرح‌های درمانی و درمان‌های مربوط به خانواده و زناشویی طراحی شده است. (Olson, 1999)

ابعادی که در مدل السون بدان پرداخته شده، سه مورد است: انسجام (cohesion) خانواده، انعطاف‌پذیری (flexibility) خانواده و ارتباطات (communication) در خانواده. این سه بعد در برگیرنده و برآمده از مفاهیم زیادی دربارهٔ خانواده، تعاملات و روابط آن است که به وسیلهٔ نظریه‌پردازان و درمان‌گران مختلف ارائه شده است.

منظور از انسجام خانواده «احساس همبستگی، پیوند و تعهد عاطفی است که اعضای یک خانواده نسبت به هم‌دیگر دارند. لینگرن (Lingren, 2003) انسجام را به‌صورت احساس نزدیکی عاطفی با افراد دیگر تعریف می‌کند؛ از نظر او دو کیفیت مربوط به انسجام در خانواده، مشتمل بر «تعهد» و «وقت‌گذراندن با هم‌دیگر» است.

بعد دوم از نظریه اَلسون انعطاف‌پذیری است که این‌گونه تعریف شده است: «مقدار تغییراتی که در نقش‌ها، قوانین، کنترل و انضباط خانواده وجود دارد.» همان‌گونه که ملاحظه می‌شود در این بعد، تأکید بر روی تغییرات در مقابل ثبات است. وقتی که خانواده انعطاف‌پذیر است، رهبری و مدیریت خانواده به صورت دموکراتیک است و کمتر حالت استبدادی به خود می‌گیرد. جوانان در تصمیم‌گیری‌ها شرکت می‌کنند و شغل در خانواده بر اساس سن و جنس پایه‌گذاری نشده است.

بدین ترتیب، پژوهش حاضر در صدد پاسخگویی به سؤالات زیر است:

- ۱- آیا جنسیت، سطوح مختلف انسجام و انعطاف‌پذیری خانواده (بالا و پایین) به‌صورت تعاملی بر نمرات «تعهد ایدئولوژیک» افراد تأثیر دارند؟
- ۲- آیا جنسیت، سطوح مختلف انسجام و انعطاف‌پذیری خانواده (بالا و پایین) به‌صورت تعاملی بر نمرات «تعهد بین‌فردی» افراد تأثیر دارند؟
- ۳- آیا جنسیت، سطوح مختلف انسجام و انعطاف‌پذیری خانواده (بالا و پایین) به‌صورت تعاملی بر نمرات «اکتشاف ایدئولوژیک» افراد تأثیر دارند؟
- ۴- آیا جنسیت، سطوح مختلف انسجام و انعطاف‌پذیری خانواده (بالا و پایین) به‌صورت تعاملی بر نمرات «اکتشاف بین‌فردی» افراد تأثیر دارند؟

## جامعه و نمونه آماری

بر اساس مبانی نظری تحقیق و مطالعات قبلی، آشکار شده است که حساس‌ترین سال‌ها در شکل‌گیری هویت، سنین ۱۸-۱۶ سال است. به همین دلیل جامعه آماری مورد بررسی، از افراد همین گروه سنی در دو مقطع تحصیلی زیر انتخاب شدند:

- ۱- کلیه دانش‌آموزان دختر و پسر که هنگام انجام این بررسی در پایهٔ تحصیلی «سوم دبیرستان» از نواحی ۴ گانه آموزش و پرورش شیراز مشغول به تحصیل بودند.
  - ۲- کلیه دانشجویان دختر و پسر «سال اولی» که هنگام انجام این بررسی، در دانشگاه شیراز مشغول به تحصیل بودند.
- حجم نمونه حدود ۶۰۰ نفر بود که پس از اجرا، ۴۹ پرسش‌نامه به‌خاطر نقایص مختلف کنار گذاشته شد. از پرسش‌نامه‌های باقی‌مانده تعداد ۲۷۹ نفر پسر و ۲۷۲ نفر دختر بودند. از نظر مقطع تحصیلی نیز ۲۶۲ نفر از سال اول دانشگاه و ۲۸۳ نفر از سال سوم دبیرستان انتخاب شدند.

ابزارهای اندازه‌گیری مورد استفاده در این پژوهش عبارت‌اند از:

الف) پرسش‌نامهٔ «فرایند هویت خود» (EIPQ): این مقیاس بر اساس نظریه‌های اریکسون (۱۹۶۳) و مارسیا (۱۹۶۴) به وسیلهٔ بالیستری (Balisteri) و همکاران در سال ۱۹۹۵ ساخته شد. این آزمون دارای ۳۲ سؤال است که از این تعداد، ۲۰ سؤال به‌صورت مثبت و ۱۲ سؤال به‌صورت منفی ارائه شده است. این آزمون دو بُعد «تعهد» و «اکتشاف» را در دو حیطةٔ «ایدئولوژیک» و «بین‌فردی» اندازه می‌گیرد- پایایی این آزمون با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ (۰/۹۱) و ضریب بازآزمایی آزمون برابر (۰/۸۴) گزارش شده است (سامانی، ۱۳۷۹).

ب) پرسش‌نامه «انعطاف‌پذیری مثبت»: این آزمون با الهام از مدل ترکیبی آلسون (۱۹۹۹) درباره خانواده، به‌وسیله شاکری (۱۳۸۲) ساخته شده است. آزمون شامل ۱۶ سؤال است که ضریب همسانی درونی مقیاس، با استفاده از آلفای کرونباخ معادل ۰/۸۹ گزارش شده است- نتیجه تحلیل عاملی این مقیاس نیز، تنها یک عامل عمومی (S) با عنوان «انعطاف‌پذیری» به‌دست داده است (شاکری، ۱۳۸۲).

ج) پرسش‌نامه «انسجام خانوادگی»: این مقیاس بر اساس مجموعه‌ای از متون موجود درباره همبستگی و با الهام از مدل ترکیبی آلسون (۱۹۹۹) به‌وسیله سامانی (۱۳۸۱) ساخته شده است. ضریب همسانی درونی مقیاس ۰/۸۵، ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۹ و ضریب پایایی با روش بازآزمایی ۰/۸ گزارش شده است- ضریب آلفای کرونباخ در پژوهش حاضر نیز ۰/۹۳ به‌دست آمد. (Samani, 2004)

## تحلیل نتایج

۱- بررسی تعامل جنسیت، سطوح بالا و پایین انعطاف‌پذیری و انسجام خانواده در تأثیر بر نمرات «اکتشاف ایدئولوژیک»

برای بررسی تأثیر تعاملی متغیرهای جنسیت، سطوح انعطاف‌پذیری و انسجام خانواده، بر نمرات «اکتشافات ایدئولوژیک» از آزمون آماری تحلیل واریانس سه‌طرفه استفاده شد که نتایج آن در جدول زیر آمده است:

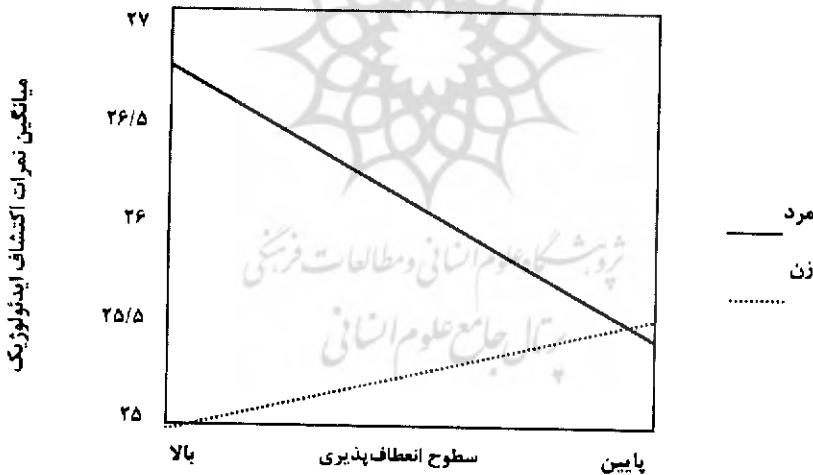
جدول ۱: نتایج تحلیل واریانس متغیرهای جنسیت، سطوح انعطاف‌پذیری و انسجام خانواده در تأثیر بر نمرات اکتشاف ایدئولوژیک

منابع واریانس	مجموع معنودرات	درجه آزادی	میانگین معنودرات	F	سطح معناداری
جنسیت	۷۸/۵۹	۱	۷۸/۵۹	۶/۳۶	۰/۰۱
سطوح انعطاف‌پذیری	۱/۲۴	۱	۱/۲۴۱	۰/۱۰	N.S*
سطوح انسجام	۲۱/۵۲	۱	۲۱/۵۲	۱/۷۴	N.S
جنسیت × سطوح انعطاف	۵۵/۶۳	۱	۵۵/۶۳	۴/۵	۰/۰۳
جنسیت × سطوح انسجام	۱۶/۷۹	۱	۱۶/۷۹	۱/۳۶	N.S
سطوح انعطاف × سطوح انسجام	۱۱/۳۹	۱	۱۱/۳۹	۰/۹۱	N.S
جنسیت × سطوح انعطاف × سطوح انسجام	۱/۰۰	۱	۱/۰۰	۰/۰۸	N.S
خطا	۵۸۱۴/۹۸	۴۷۱	۱۲/۳۴	—	—
کل	۳۲۶۹۳۵	۴۷۹	—	—	—

\* (N.S) عدم معنی‌داری

۱- نتایج نشان داد که بین دختران و پسران به لحاظ نمرات «اکتشاف ایدئولوژیک» تفاوت معنی داری در سطح ۰/۰۱ وجود دارد ( $P=0/01$ ) و  $F(1,471)=6/36$ ، با مقایسه میانگین‌های دختران و پسران متوجه می‌شویم که پسران نمرات بالاتری را در بُعد «اکتشاف ایدئولوژیک» نسبت به دختران به دست آورده‌اند- میانگین نمرات پسران ۲۶/۳۹ و میانگین نمرات دختران ۲۵/۴۸ است.

۲- بررسی نتایج درباره تأثیر تعاملی متغیرهای جنسیت و سطوح انعطاف‌پذیری خانواده (بالا و پایین) نشان داد که متغیرهای مذکور تأثیر تعاملی معنی داری را در سطح ۰/۰۵ بر نمرات «اکتشاف ایدئولوژیک» داشته‌اند ( $P=0/05$ ) و  $F(1,471)=4/5$ . میانگین نمرات «اکتشاف ایدئولوژیک» برای پسران در سطح بالای انعطاف‌پذیری خانواده ۲۶/۶ و در سطح پایین ۲۵/۸ است، در حالی که میانگین نمرات برای دختران در سطح بالای انعطاف‌پذیری ۲۵ و در سطح پایین ۲۵/۷ است. ملاحظه می‌کنیم که پسران در سطح بالای انعطاف‌پذیری خانواده نمرات بالاتری را کسب کرده‌اند، ولی برای دختران، سطح پایین انعطاف‌پذیری خانواده نمرات بهتری را در زمینه «اکتشاف ایدئولوژیک» ایجاد کرده است. نمودار زیر نحوه تعامل جنسیت و سطوح انعطاف‌پذیری خانواده در تأثیر بر نمرات «اکتشاف ایدئولوژیک» را نشان می‌دهد:



نمودار ۱: تأثیر تعاملی جنسیت و سطوح انعطاف‌پذیری بر نمرات بُعد «اکتشاف ایدئولوژیک»

۲- بررسی تعامل جنسیت، سطوح انعطاف‌پذیری و سطوح انسجام خانواده در تأثیر بر نمرات «اکتشاف بین فردی»

برای بررسی تأثیر تعاملی متغیرهای جنسیت، سطوح انعطاف‌پذیری و سطوح انسجام خانواده بر نمرات «اکتشاف بین فردی» از آزمون آماری تحلیل واریانس سه‌طرفه استفاده شد که نتایج آن در جدول زیر آمده

است:

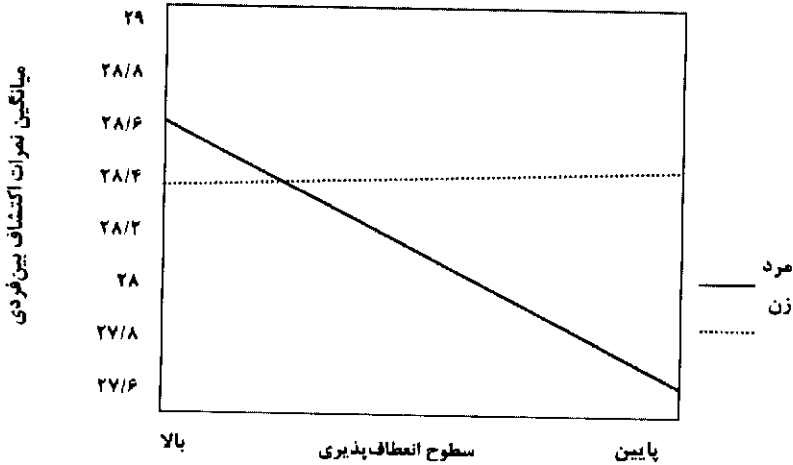
جدول ۲: نتایج تحلیل واریانس متغیرهای جنسیت، سطوح انعطاف‌پذیری و انسجام خانواده در تأثیر بر نمرات «اکتشاف بین فردی»

منابع واریانس	مجموع مربعات	د.ف	م.ف	ف
جنسیت	۰/۰۰۵	۶/۳۷	۱	۶/۳۷
سطوح انعطاف‌پذیری	۰/۴۹۹	۶/۳۲	۱	۶/۳۲
سطوح انسجام	۵/۶۹۸	۷۲/۲	۱	۷۲/۲۳
جنسیت × سطوح انعطاف‌پذیری	۲/۶۲۳	۳۳/۲۵	۱	۳۳/۲۵
جنسیت × سطوح انسجام	۰/۳۱۹	۴/۰۴	۱	۴/۰۴
سطوح انعطاف × سطوح انسجام	۴/۹۷۴	۶۳/۰۴	۱	۶۳/۰۴
جنسیت × سطوح انعطاف × سطوح انسجام	۰/۵۷۴	۷/۲۷	۱	۷/۲۷
خطا	—	۱۲/۶۷	۴۹۲	۶۲۳۶/۸
کل	—	—	۵۰۰	۴۱۱۱۶۳

۱- نتایج نشان می‌دهد که سطوح بالا و پایین انسجام خانواده تأثیر متفاوت و معنی‌داری را در سطح ۰/۰۱ بر نمرات «اکتشاف ایدئولوژیک» داشته است ( $P=0/01$  و  $F(492,1)=5/7$ ). میانگین نمرات «اکتشاف بین فردی» در سطح بالای انسجام خانواده ۲۸/۹ و در سطح پایین انسجام خانواده ۲۷/۹ است. ملاحظه می‌کنیم که سطح بالای انسجام خانواده نمرات بالاتری را نسبت به سطح پایین انسجام خانواده ایجاد کرده است.

۲- نتایج نشان می‌دهد که سطوح انعطاف‌پذیری خانواده (بالا و پایین) و سطوح انسجام خانواده (بالا و پایین) به گونه‌ای تعاملی و در سطح ۰/۰۲ بر نمرات «اکتشاف بین فردی» تأثیر معنی‌دار دارند ( $P=0/02$  و  $F(492,1)=4/97$ ). تأثیر تعاملی بدین صورت بوده که وقتی سطح انعطاف‌پذیری خانواده بالاست، سطوح بالا و پایین انسجام خانواده تأثیر تقریباً یکسانی بر نمرات «اکتشاف بین فردی» دارند (میانگین نمرات در سطح بالای انسجام ۲۸/۷ و در سطح پایین انسجام خانواده ۲۸/۶ است)، اما وقتی سطح انعطاف‌پذیری خانواده پایین است، سطوح بالا و پایین انسجام خانواده تأثیر متفاوتی بر نمرات اکتشاف بین فردی دارند (میانگین نمرات در سطح بالای انسجام ۲۹/۲ و در سطح پایین انسجام خانواده ۲۷/۶ است). نمودار زیر چگونگی این تعامل را نشان می‌دهد:





نمودار ۲: تأثیر تعاملی سطوح انعطاف‌پذیری و انسجام خانواده بر نمرات بُعد «اکتشاف بین‌فردی»

۳- بررسی تعامل جنسیت، سطوح انعطاف‌پذیری و سطوح انسجام در تأثیر بر نمرات «تعهد ایدئولوژیک»

برای بررسی تأثیر تعاملی جنسیت، سطوح انعطاف‌پذیری و سطوح انسجام خانواده بر نمرات «تعهد ایدئولوژیک» از آزمون آماری تحلیل واریانس سه‌طرفه استفاده شده است که نتایج آن در جدول زیر ارائه شده‌اند:

جدول ۳: نتایج تحلیل واریانس متغیرهای جنسیت، سطوح انعطاف و سطوح انسجام در تأثیر بر نمرات «تعهد ایدئولوژیک»

سطح معناداری	F	میانگین مجذورات	درجه آزادی	مجموع مجذورات	منابع واریانس
N.S	۰/۴۸	۹/۴۵	۱	۹/۴۵	جنسیت
N.S	۰/۵۸	۱۱/۳۴	۱	۱۱/۳۴	سطوح انعطاف‌پذیری
N.S	۳/۰۲	۵۸/۷۶	۱	۵۸/۷۶	سطوح انسجام
N.S	۰/۰۳	۰/۷۶	۱	۰/۷۶۱	جنسیت * سطوح انعطاف
N.S	۰/۱۲	۲/۴۵	۱	۲/۴۵	جنسیت * سطوح انسجام
N.S	۰/۰۴	۱/۴۳	۱	۱/۴۳۲	سطوح انعطاف * سطوح انسجام
N.S	۰/۰۱	۰/۲۲	۱	۰/۲۲	جنسیت * سطوح انعطاف * سطوح انسجام
—	—	۱۹/۴۰	۴۸۳	۹۳۷۱/۵	خطا
—	—	—	۴۹۱	۳۵۱۹۴۱	کل

تأثیر انعطاف‌پذیری خانوار بر...

ملاحظه می‌کنیم که هیچ‌کدام از متغیرهای جنسیت، انسجام و انعطاف‌پذیری خانواده به‌صورت معنادار بر «تعهد ایدئولوژیک» تأثیر معنی‌دار نداشته‌اند - بیشترین تأثیر را انسجام خانواده بر تعهد ایدئولوژیک داشته است که آن هم به سطح معناداری آماری نرسیده است.

۴- بررسی تعامل جنسیت، سطوح بالا و پایین انعطاف‌پذیری و انسجام خانواده در تأثیر بر نمرات «تعهد بین‌فردی»

برای بررسی تعامل جنسیت، سطوح انعطاف‌پذیری و سطوح انسجام خانواده در تأثیر بر نمرات «تعهد بین‌فردی»، از آزمون آماری تحلیل واریانس سه‌طرفه استفاده شد که نتایج آن در جدول زیر ارائه شده است:

جدول ۴: نتایج تحلیل واریانس متغیرهای جنسیت، سطوح انعطاف‌پذیری و انسجام خانواده در تأثیر بر نمرات «تعهد بین‌فردی»

سطح معناداری	F	میانگین محدودرات	درجه آزادی	مجموع محدودرات	منابع واریانس
N.S	۰/۰۷۳	۱/۳۵	۱	۱/۳۵	جنسیت
N.S	۰/۱۷۱	۳/۱۶۲	۱	۳/۱۶	سطوح انعطاف‌پذیری
۰/۰۰۱	۱۲/۹۳	۲۳۸/۹۷	۱	۲۳۸/۹۷	سطوح انسجام
N.S	۰/۱۳۷	۲/۵۲۳	۱	۲/۵۲	جنسیت * سطوح انعطاف‌پذیری
N.S	۰/۰۰۳	۶/۳۹۱	۱	۶/۳۹	جنسیت * سطوح انسجام
N.S	۰/۰۸۱	۱/۵۰۲	۱	۱/۵۰	سطوح انعطاف‌پذیری * سطوح انسجام
N.S	۰/۰۳۹	۰/۷۱۲	۱	۰/۷۱	جنسیت * سطوح انعطاف‌پذیری * سطوح انسجام
—	—	۱۸/۴۸۱	۴۷۵	۸۷۷۸/۳	خطا
—	—	—	۴۸۳	۲۸۵۸۶۴	کل

۱- سطوح بالا و پایین انسجام خانواده تأثیر متفاوت و معنی‌داری را در سطح ۰/۰۰۱ بر نمرات «تعهد بین‌فردی» داشته‌اند ( $P=۰/۰۰۱$  و  $F(۴۷۵,۱)=۱۲/۹۳$ ) مقایسه میانگین‌ها نشان می‌دهد که هر چه انسجام خانواده بالاتر باشد، نمرات کسب شده در بُعد «تعهد بین‌فردی» بیشتر خواهد بود. میانگین نمرات «تعهد بین‌فردی» برای سطح بالای انسجام خانواده ۲۸/۶ و برای سطح پایین انسجام خانواده ۲۷/۱ است.

## تفسیر نتایج

**تأثیر تعاملی جنسیت، سطوح انسجام و انعطاف‌پذیری خانواده بر «اکتشاف ایدئولوژیک»:**

الف) مشاهده می‌کنیم که میانگین نمرات «اکتشاف ایدئولوژیک» پسران به صورتی معنی‌دار، در سطح ۰/۰۱۲ از دختران بیشتر است. علت این نتیجه، شاید آن است که دختران نسبت به پسران از نظر زمانی دیرتر به حیطة «ایدئولوژیک» ابعاد هویت می‌پردازند و در عوض زودتر از پسران به حیطة «بین‌فردی» می‌پردازند (Mullis, 2003).

فول وایدر، بوش و جاکوبز (۱۹۹۳ به نقل از مالیس، ۲۰۰۳) در نتایج تحقیقات خود گزارش کرده‌اند که دختران دانشجو نمرات کمتری در «اکتشاف» می‌گیرند. شاید علت دیگر این موضوع به نوع توقعات جامعه و محیط خانواده از دختران و پسران بر اساس نقش‌های جنسی برگردد. به نظر می‌رسد که در جامعه ما پرداختن به مسائل ایدئولوژیک، شک‌کردن و مورد سؤال قرار دادن آنها در پسران معمول‌تر و قابل‌پذیرش‌تر است و این‌گونه مسائل در دختران کمتر مورد استقبال واقع می‌شود.

ب) جنسیت و سطوح بالا و پایین انعطاف‌پذیری خانواده به صورت تعاملی و در سطح ۰/۰۳۴ بر نمرات «اکتشاف ایدئولوژیک» تأثیر معنی‌دار دارند. قبلاً مشاهده کردیم که جنسیت و سطوح انعطاف‌پذیری تأثیر تعاملی معنی‌داری بر نمرات «اکتشاف» دارند؛ به این صورت که نمرات اکتشاف پسران در خانواده‌هایی با سطح پایین انعطاف‌پذیری، بسیار پایین‌تر از نمرات پسران در سطح بالای انعطاف‌پذیری خانواده است. این تحلیل نشان می‌دهد که عمده این تعامل در حیطة «ایدئولوژیک» از بُعد اکتشاف وجود دارد. در واقع، پسران خانواده‌های با انعطاف‌پذیری بالا شدیداً به فعالیت‌های اکتشافی در خصوص حیطة‌های «ایدئولوژیک» می‌پردازند، درحالی‌که این افزایش فعالیت در دختران از خانواده‌های دارای انعطاف‌پذیری بالا، به خانواده‌های دارای انعطاف‌پذیری پایین مشاهده نمی‌شود.

**تأثیر تعاملی جنسیت، سطوح بالا و پایین انسجام و انعطاف‌پذیری خانواده بر نمرات «اکتشاف بین‌فردی»:**

الف) سطوح بالا و پایین انسجام خانواده تأثیر معنی‌داری را در سطح ۰/۰۱۷ بر نمرات «اکتشاف بین‌فردی» داشته‌اند. قبلاً در بررسی تأثیرات انسجام و انعطاف‌پذیری خانواده بر نمرات «اکتشاف» مشاهده کردیم که سطوح انسجام خانواده تأثیر معنی‌داری بر نمرات «اکتشاف» دارند و در اینجا مشخص می‌شود که این تأثیر‌گذاری فقط در حیطة «بین‌فردی» بُعد اکتشاف وجود دارد؛ به این صورت که خانواده‌های دارای سطح انسجام بالا نسبت به خانواده‌های دارای سطح پایین انسجام، نمرات بهتری را در بُعد اکتشاف بین‌فردی ایجاد می‌کنند.

ب) سطوح بالا و پایین انسجام و انعطاف‌پذیری خانواده، به صورت تعاملی تأثیر معنی‌داری را در سطح ۰/۰۲۶ بر نمرات «اکتشاف بین‌فردی» داشته‌اند؛ بدین صورت که در سطح بالای انعطاف‌پذیری خانواده، سطوح بالا و پایین انسجام تأثیر تقریباً مساوی بر نمرات «اکتشاف بین‌فردی» داشته‌اند، اما وقتی انعطاف‌پذیری خانواده پایین است، تأثیر سطح بالای انسجام خانواده، در ایجاد «اکتشاف بین‌فردی» بیشتر از سطح پایین انسجام است.

به نظر می‌رسد که وقتی سطح انعطاف‌پذیری خانواده بالاست، سطوح انسجام خانواده بی‌تأثیر می‌شوند، اما

وقتی سطح انعطاف‌پذیری پایین است، سطوح انسجام تعیین‌کننده می‌شوند؛ به این صورت که سطح بالای انسجام خانواده نسبت به سطح پایین انسجام، نمرات "اکتشاف بین‌فردی" بالاتری را ایجاد می‌کند. به نظر می‌رسد که در این مورد انعطاف‌پذیری خانواده تعیین‌کننده‌تر از انسجام باشد، چون زمانی که انعطاف‌پذیری بالاست، انسجام تأثیر خود را نشان نمی‌دهد و در درجه دوم نیز سطح انسجام بالاتر، مهم‌تر از سطح پایین انسجام است و باعث نمرات بهتری می‌شود.

### تأثیر تعاملی جنسیت، سطوح بالا و پایین انسجام و انعطاف‌پذیری خانواده بر نمرات "تعهد ایدئولوژیک":

ملاحظه می‌کنیم که انسجام خانواده بیشترین تأثیر را بر «تعهد ایدئولوژیک» داشته است که آن هم به سطح معناداری آماری نرسیده است. به این ترتیب این سؤال پیش می‌آید که چرا تأثیر خانواده بر تعهد ایدئولوژیک نوجوانان کم است؟

به نظر می‌رسد که جوانان و نوجوانان در زمینه ایدئولوژیک، کمتر تحت تأثیر خانواده‌اند و در این سنین فضای خانواده بر تعهدات ایدئولوژیک کم تأثیر می‌شود. بسیاری از تحقیقات این مسئله را تأیید کرده‌اند که در سنین نوجوانی تأثیر عوامل خارج از خانواده به ویژه گروه همسالان زیادتر می‌شود و زمانی که نوجوانان وقت کمتری را با اعضای خانواده می‌گذرانند، همسالان به طور فزاینده‌ای با اهمیت می‌شوند. به قول برک (۲۰۰۱)، روابط دوستی صمیمانه فرصت‌هایی را برای کاوش کردن خود و پرورش درک عمیق دیگران فراهم می‌کند، دوستان نوجوان از طریق ارتباط آزاد و صادقانه نسبت به قوت‌ها، ضعف‌ها، نیازها و امیال یکدیگر حساس می‌شوند و این فرایند به رشد خودپنداره، درک دیگران، هویت و روابط صمیمی فراتر از خانواده کمک می‌کند (برک، ۲۰۰۱). بنابراین کم شدن تأثیر خانواده بر تعهد ایدئولوژیک در این سنین را می‌توان به این صورت توجیه نمود.

علت دیگر شاید این باشد که جوانان در زمینه مسائل ایدئولوژیک (سیاسی، ارزشی، شغلی و مذهبی) به صورتی جهانی و فراتر از خانواده و فرهنگ خاص خود فکر می‌کنند و در این گونه مسائل نوجوانان و جوانان از خانواده تأثیرپذیری کمتری دارند. در این سنین است که تازه به تفکر صوری دست می‌یابند و دوست دارند. آن را به کار ببرند؛ تفکر انتزاعی به نوجوانان امکان می‌دهد که از دنیای واقعی فراتر روند، به احتمالات فکر کنند و دنیای آرمانی و کمال به روی آنها گشاده شود. به همین دلیل نوجوانان می‌توانند نظام‌های خانوادگی، مذهبی، سیاسی و اخلاقی دیگر را تجسم نمایند و دوست دارند آنها را کاوش کنند. آرمان‌گرایی نوجوانان آنها را به سمت ساختن رؤیایی بزرگ و دنیایی بی‌نقص هدایت می‌کند و آنها نمی‌توانند کاستی‌های زندگی روزمره را تحمل کنند (برک، ۲۰۰۱) و این گونه به نظر می‌رسد که نوجوانان تقریباً مستقل و خارج از تأثیرات خانواده به مسائل ایدئولوژیک می‌پردازند.

### تأثیر تعاملی جنسیت، سطوح انسجام و انعطاف‌پذیری خانواده بر نمرات "تعهد بین‌فردی":

تأثیرگذاری انسجام بر "تعهد" فقط در حیطه "بین‌فردی" وجود دارد و این تأثیرگذاری در سطح ۰/۰۰۱- معنی‌دار است؛ به این صورت که هرچه انسجام خانواده بالا برود، تعهد بین‌فردی نیز افزایش خواهد یافت. این موضوع، با نتیجه تحقیق مالیس و دیگران (Mallis et al, 2003) هم‌سویی دارد. آنها در نتیجه پژوهش خود

گزارش می‌کنند که رابطه مثبت و معناداری در سطح  $0/001$  بین انسجام خانواده و تعهد بین فردی وجود دارد و انسجام خانواده به صورتی مثبت و در سطح  $0/001$  تعهد بین فردی را پیش‌بینی می‌کند. به نظر می‌رسد که علت این نتیجه، نزدیکی و یکسانی زیاد دو مفهوم "انسجام خانواده" و "تعهد" در حیطه "بین فردی" است. آلسون (Olson, 1999) می‌گوید: انسجام خانواده، احساس همبستگی، پیوند و تعهد عاطفی است که اعضای یک خانواده نسبت به هم‌دیگر دارند. لینگرن (Lingren, 2003) انسجام را به صورت نزدیکی عاطفی با افراد دیگر تعریف می‌کند. از نظر او دو کیفیت مربوط به انسجام خانواده مشتمل بر «تعهد» و «وقت گذاشتن با همدیگر» است.

وقتی انسجام خانواده بالا باشد، اعضای خانواده پیشرفت، شادی و رفاه هم‌دیگر را می‌خواهند و هرگاه یکی از اعضای خانواده دچار مشکل شود، حاضرند که برای رفع آن کار کنند. خانواده‌هایی که در بُعد انسجام قوی‌اند، به طور مرتب برنامه و زمان‌هایی را برای فعالیت‌های گروهی در نظر می‌گیرند. به این ترتیب، با وجود تشابه زیاد بین "انسجام خانواده" و "تعهد بین فردی" رابطه مثبت و قوی بین این دو مفهوم توجیه می‌گردد.



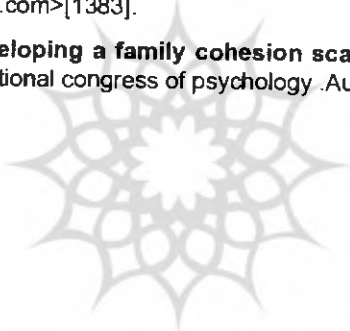
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## منابع:

- ۱- آقامحمدیان، حمیدرضا و شیخ روحانی، سعید (۱۳۸۲) «مفهوم و فرایند شکل‌گیری هویت، تأثیر عوامل اجتماعی، اصلاح و درمان مسائل هویت». مجله علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد. جلد چهارم، شماره‌ی اول.
- ۲- برک، لورا. ای. (۱۳۸۲) روان‌شناسی رشد. حمزه گنجی. چاپ اول، تهران: انتشارات آرسباران
- ۳- رضویه، اصغر و سامانی، سیامک (۱۳۷۹) «مقایسه همبستگی خانوادگی دختران و پسران به پدر و مادر». چهارمین سمینار بهداشت روانی و اختلالات رفتاری کودکان و نوجوانان. زنجان: دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی.
- ۴- سامانی، سیامک (۱۳۸۱) «مدل علی برای همبستگی خانوادگی، استقلال عاطفی و سازگاری». پایان‌نامه دکتری، بخش روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه شیراز.
- ۵- سامانی، سیامک و خیر، محمد (۱۳۸۲) «بررسی و مقایسه میزان اعتقاد به ارزش‌ها در گروه‌های سنی مختلف دختران و پسران دانش‌آموز و دانشجو در شهر شیراز». شیراز: اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۶- شاکری، شراره (۱۳۸۲) «بررسی تأثیر میزان انعطاف‌پذیری خانواده بر بهداشت روانی دانش‌آموزان مقطع متوسطه شیراز». پایان‌نامه کارشناسی ارشد در رشته مدیریت دولتی، دانشگاه شیراز.
- ۷- گلاسر، ویلیام (۱۳۸۰) مدارس بدون شکست. حمزه سادات. تهران: انتشارات رشد
- ۸- ماسن، پاول هنری و دیگران (۱۳۷۰) رشد و شخصیت کودک. مهشید یاسایی. تهران: نشر مرکز
- ۹- وندر زندن، جیمز (۱۳۷۶) روان‌شناسی رشد. حمزه گنجی. تهران: انتشارات بعث
- 10- Adams, G. R., Ryan, J. H., Hoffman, F. F., Dobson, W. R & Wielsen, E. C. (1985) "Ego identity status, conformity behavior and personality in late adolescence". Journal of Personality and Social Psychology. vol. 47.
- 11- Adams, G. R & Jones, R. M. (1983) "female adolescents, identity development: age comparisons and perceived child rearing experiences". Developmental Psychology. vol. 19.
- 12- Balistreri, E. & Busch-Rossnagel, N. A. (1995) «Development and preliminary validation of the ego identity process questionnaire». Journal of Adolescence. vol. 18.
- 13- Barnes, H. L. & Olson, D. H. (1985) «Parent-adolescent communication and the Bartel-Haring, S (1997) "The relationship among Parent-adolescent differentiation, sex role orientation identity development in adolescence and adulthood". Journal of Adolescence. vol. 20.
- 14- Bishop, D. L. ,Macy Lewis, A. J. , Schenkloth, G. A. , Puswella, s. & Struessel, G. L. (1997) "Ego identity status and reported alcohol consumption study of first year college students". Journal of Adolescence. vol. 20.
- 15- Estein, N. ,Bishop, D. & Levin, S. (1978) "The McMaster model of family functioning". Journal of Marriage and Family Counseling. vol. 4.
- 16- Grotevant, H. & Cooper, C. (1985) "Patterns of interaction in family relationship and

**the development of identity and role-taking skill in adolescence**". Child Development. vol. 56.

- 17-Lingren, H. G. (2003) "**Creating Sustainable Families**". published by cooperative extension institute of Agriculture and natural resources. university of Nebraska-Lincoln. available by internet: <http://www.ianr.unl.edu/pubs/family/g1269.htm>>.[1383]\_[online].
- 18-Mullis, R. L. ,Brailsford, J. C. & Mullis, A. K.(2003) "**Relation between Identity formation and family characteristics among young adults**". Journal of family Issues. vol. 24.
- 19-Marcia, J. E. (1966) "**Development and validation of ego identity status and expressive writing among high school and college students**". Journal of Youth and Adolescence .vol. 8.
- 20-Makstrom-Adams, C. ,Ascione, F. R. ,Braegger, D. & Adam, J. R. (1993) "**Promotion of ego identity development, can short- term intervention facilitates growth**"?. Journal of Adolescence. vol. 16.
- 21-Olson, D. H. (1999) **Circumplex model of marital & family systems**. Available by internet [online].  
<http://www.lifeinnovations.com>>[1383].
- 22-Samani, S. (2004) "**Developing a family cohesion scale for Iranian adolescents**". presented in 28th international congress of psychology .Aug 8-13, Beijing. china.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



شروېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی